

دشمنان و مخالفان نگرش بسیجی

از همان ابتدای شکل گیری، بسیج با دشمنان داخلی و خارجی مختلفی مواجه بود که قصد داشتند به هر نحو ممکن بسیج را از صحنه به در برند. این کینه ورزان که بسیج را رمز بقا و دوام نظام مقدس جمهوری اسلامی می دانند در تلاشند تا با بکارگیری حربۀ "انکار" و "اتهام"، بسیج را تخریب کرده و پایگاه اجتماعی آن را تضعیف نمایند و زمینه اضمحلالش را فراهم آورند.

در نگاهی کلان تر باید گفت که مشکل اصلی کینه توزان تنها با تشکل بسیج نیست، بلکه اغراض و نیت اصلی دشمنان، مقابله با بسط و گسترش تفکر و نگرشی است که مبتنی بر آن تشکل بسیج شکل گرفته است. نگرشی که مولد دکترین "ما می توانیم"، "استکبار ستیزی" و ... بوده و گفتمانهای انحرافی را به چالش کشیده بود، چرا که به فرموده حضرت روح الله (ص): «اگر بر کشوری نوای دلنشین تفکر بسیجی طنین انداز شد، چشم طمع دشمنان و جهانخواران از آن دور خواهد گردید و آلا هر لحظه باید منتظر حادثه ماند.» (۶۷/۹/۲)

حکیم فرزانه انقلاب اسلامی در شرح علت دشمنی با بسیج می فرماید: «ابراز دشمنی با بسیج، یعنی ابراز دشمنی با مجاهدت و تلاش و نشاط و کار در همه میدانها. خیلی روشن است که آرزومندان ناکامی این ملت، از بسیج ناراحتند. هر کس آرزومند است که این ملت ناکام بشود و شکست بخورد، از حضور بسیج ناراحت است. همه دشمنان، همه حاسدان، همه دل بستگان به دشمن در داخل، از بسیج خوششان نمی آید.» (۸۴/۶/۲)

معظم له در جایی دیگر با صراحت اعلام می دارد که نقش بسیج در دفاع از انقلاب اسلامی را باید علت دشمنی دشمنان دانست. و در شرح آن می فرماید: «خدا را شکر می کنیم که از روز اول انقلاب، نیروی خود جوش مردم در همه ی میدانها حاضر بود و امام، قدر این نیرو را دانست و آحاد ملت قدر این جریان جوشنده ی عظیم را در میان خودشان دانستند؛ آنهایی که خودشان حاضر نبودند، یا آمادگی نداشتند که در این میدانهای خطر وارد شوند، آن جوانان آماده و عناصر از خود گذشته را تحسین و تشویق کردند. این آن چیزی است که دستگاههای اقتدار جهانی را، دستگاههای استکبار را، آن کسانی را که می خواهند سرنوشت کشورها و ملتها را بناحق در دست گیرند، خشمگین می کند.

این جاست که باید راز حمله ی تبلیغاتی به بسیج را فهمید. چرا در تبلیغات جهانی و رادیوها به بسیج اهانت می شود؟ چرا کسانی که

۱ - حضرت آیت الله خامنه ای: «فرق است بین آن نیروهایی که به عنوان وظیفه ی سازمانی وارد میدان دفاع می شوند، با نیروهایی که به دنبال وظیفه ی ایمان و عشق و به دنبال دستور قاطع عواطف برخاسته از اعماق جان وارد میدان می شوند. این بسیج است. انکار بسیج، انکار بزرگترین ضرورت و مصلحت برای کشور است. ما در میدان جنگ هم اگر بسیج را نداشتیم، کمیتمان لنگ بود. در دوران بعد از پایان جنگ هم اگر بسیج نمی بود و اگر امروز هم نباشد، کمیت این انقلاب و این نظام و همه ی حرکت های سازنده ی این کشور لنگ است. انکار بسیج و بی احترامی به آن، یا نابخردانه است، یا خائنه است. تا زمانی که برای این کشور امنیت لازم است و تا وقتی که این کشور و این ملت به امنیت احتیاج دارد - یعنی همیشه؛ چون همیشه احتیاج به امنیت هست - به نیروی بسیج، به انگیزه بسیجی، به سازماندهی بسیجی و به عشق و ایمان بسیجی احتیاج هست.» (۸۴/۹/۷)

۲ - رهبر معظم انقلاب اسلامی در این زمینه می فرماید: «در هر حادثه ای، جو تهمت فضا را پر می کند! تروری اتفاق می افتد. هنوز هیچ اطلاعی در دست نیست؛ هنوز از این که این حادثه را چه کسی انجام داده، هیچ کس سرنخی ندارد؛ اما می بینید که در روزنامه تیتیر می زنند؛ سپاه را متهم می کنند؛ بسیج را متهم می کنند؛ روحانیت را متهم می کنند! هدف از این کارها چیست؟! چرا با بسیج این قدر بدند؟! من در بخش اول صحبتیم به شما عرض کردم که جوان سرشار از انرژی است؛ جوان هیجان طلب است. روزی که کشور دچار یک جنگ مسلحانه باشد، جوانان با میل و رغبت به میدان می روند. وقتی که کشور در آرامش و صلح است، برای ارضای سالم هیجان طلبی جوانان، چه چیزی بهتر از بسیج؟ این ابتکار امام بود. روح هیجان طلب جوان، اگر بنا باشد در راه سازنده، در راه ایمانی، در راه سالم، در راهی که می تواند برای کشور مفید واقع شود، به کار بیفتد، چه سازمانی مهمتر و مطمئن تر از سازمان بسیج است؟ چرا این قدر با بسیج دشمنی می کنند؟! با چه دشمنند؟! چرا این قدر بسیج را زیر سؤال می برند؟! اینهاست که آن انگیزه های باطنی را برملا می کند.» (۷۹/۲/۱)

همیشه چشم به دهان بیگانگان دارند تا حرف آنها را تکرار کنند، نسبت به بسیج زبان به ناسزا می‌گشایند و بسیج را که در خور تشریف و تعظیم و تحسین است، مورد اهانت و بی‌مهری قرار می‌دهند؟ چون نقش بسیج را در حفظ استقلال ملی، در حفظ غرور ملی، در حفظ افتخارات ملی، در تأمین منافع ملی و بالاخره و بالاتر از همه در اعلاء پرچم اسلام و نظام جمهوری اسلامی می‌دانند؛ به جد با بسیج دشمنند؛ اما دشمنی آنها فایده‌ای ندارد.» (۷۹/۷/۲۹)

محصول به کارگیری و بسط و گسترش تفکر بسیجی در عرصه‌های مختلف، موفقیت‌های چشمگیر علمی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی است که در شرایط محاصره اقتصادی و مبتنی بر خوداتکایی حاصل شده است. به واقع موفقیت‌های بسیج امروز به خاری در چشمان دشمنان اسلام و انقلاب بدل گردیده که کینه آن را در دل می‌پرورند. رهبر معظم انقلاب با توجه به این مسأله می‌فرماید:

«از اول انقلاب تا امروز، بسیج خار چشم دشمنان بوده؛ چه دشمنان داخلی و چه دشمنان خارجی. همیشه بسیج مورد تهاجم لفظی و عملی دشمنان قرار داشته است. سمپاشی و لجن‌پراکنی علیه بهترین جوانان این کشور که در صفوف بسیج مستقرند، مخصوص یک دوره از دوره‌های پس از انقلاب نیست؛ از اول بوده، تا امروز هم بوده است؛ خواهد بود؛ بعد از این هم خواهد بود. البته دشمنان موفقیت‌های بسیج را می‌بینند. بسیج در میدان دفاع مقدس از خود حرکتی نشان داد که برای دنیا شگفت‌آفرین بود. حضور بسیج در میدان‌های جنگ و دفاع مقدس، هم به عنوان یک عمل نظامی، و هم به عنوان روحیه‌دهی به رزمندگان مستقر در سازمانهای نظامی - یعنی ارتش و سپاه - تأثیرات معجز‌آسایی داشته است. آن جایی که بسیج بود، روحیه و معنویت هم بود؛ طبعاً ایستادگی و مقاومت هم بود و بر اثر آن همه، پیروزی هم نصیب می‌شد.» (۸۴/۶/۲)

مخالفان نگرش بسیج در عرصه‌های مختلف

محصول بسط و گسترش نگرش بسیجی در جامعه، تقویت گفتمان اصیل انقلاب اسلامی است که دیگر گفتمانهای انحرافی در سه دهه اخیر در کشور را به چالش کشانده است. گفتمانی که مولفه‌های اصلی آن را چنین می‌توان برشمرد:

۱- اعتقاد به جامعیت اسلام به عنوان مکتب‌رهای بخش

۲- ولایت‌مداری و پذیرش رهبری الهی

۳- معنویت‌گرایی

۴- خودباوری (ما می‌توانیم)

۵- سیاست نه شرقی، نه غربی

۶- مقاومت و ایستادگی در برابر دشمن

۷- استکبارستیزی

۸- عدالت‌خواهی

این گفتمان همانطور که اشاره شد دارای مخالفان و دشمنانی است که در سه دهه گذشته انقلاب اسلامی دشمنی خود را در عرصه‌های مختلف آشکار ساخته‌اند. این مخالفت و دشمنی را می‌توان در عرصه‌های مختلف زیر مورد مطالعه و بررسی قرار داد:

۱- مخالفان نگرش بسیجی در عرصه دفاع مقدس

۲- مخالفان نگرش بسیجی در عرصه سیاست خارجی

۳- مخالفان نگرش بسیجی در عرصه سازندگی و جنبش نرم‌افزاری

۱- مخالفان نگرش بسیجی در عرصه دفاع مقدس

با پیروزی انقلاب اسلامی استکبار جهان که همه چیزش را در ایران اسلامی از دست رفته می دید و نگران از دست رفتن منافعش در خاورمیانه و جهان اسلام بود، با تحریک جاه طلبی چون صدام تجاوزی را آغاز نمود تا انقلاب نوپا را در همان ابتدای راه زمین گیر ساخته و به اضمحلال بکشاند.

حمله در زمانی آغاز شد که جریانهای لیبرال در کشور قدرت را در دست داشته و فردی چون بنی صدر با فریب افکار عمومی در جایگاه ریاست جمهوری قرار داشت. در همین جا بود که مساله مدیریت جنگ به صحنه مقابله نگرش بسیجی و نگرش لیبرال مبدل گردید.

سال ۱۳۵۹ بعد از انتخاب بنی صدر به ریاست جمهوری در حالی که حضرت امام(ره) به خاطر بیماری و ناراحتیهای جسمانی شدید به این نتیجه رسیدند که این مسئولیت را به فردی یا مجموعه دیگری واگذار نمایند، آقای بنی صدر با پیشنهاد و تاکید آقای هاشمی رفسنجانی^۳، و با حکم حضرت امام به عنوان فرمانده کل قوا انتخاب گردید.

بنی صدر با سوء مدیریت خود که بی شک به عنوان خیانتی آشکار در تاریخ این سرزمین ثبت گردیده است، موجب گردید که بخشی از کشور در اشغال متجاوزین قرار گیرد و خسارات جبران ناپذیر جانی و مالی بر این کشور وارد شود. موارد قابل بررسی در این زمینه عبارتند از:

۱- عدم آماده سازی کشور برای دفاع در برابر متجاوز: در حالی که از ماهها قبل از آغاز جنگ در روز ۵۹/۶/۳۱ نشانه هایی از آمادگی رژیم بعثی عراق برای حمله به ایران کاملاً مشهود بود و این مساله را بسیاری از کارشناسان و مسئولین سیاسی و نظامی کشور نیز گوشزد می نمودند، بنی صدر با نفی همه این نظرات از هرگونه اقدام جهت آمادگی برای دفاع و ایجاد آرایش تدافعی در برابر دشمن طفره رفته و بستر را برای تجاوز آسان دشمن آماده نمود.

خود وی در کتاب خاطراتش که به تازگی در اروپا منتشر شده است اذعان دارد که از این مساله مطلع بوده است اما اشاره نمی کند که چرا اقدامی نظامی برای مقابله انجام نداده است. وی می گوید: «در آن ایام، روشن شده بود که تجاوز خواهد شد و با اینکه یاسر عرفات را فرستاده بودم پیش آقای صدام حسین تا دست به این کار نزنند، اما او در رؤیای پیروزی برق آسا و بی قرار حمله بود... یاسر عرفات رفت به عراق و برگشت و گفت که صدام را مثل طاوس دیده و او می گوید که کار ایران را چهار روزه تمام می کنم.»^۴

سردار سرلشکر "غلامعلی رشید" یکی از فرماندهان عالی رتبه سپاه اسلام درباره وضعیت قابل پیش بینی حمله عراق می گوید: «در ماههای منتهی به تجاوز عراق، تحولات منطقه، تحرکات صدام و مواضع قدرت های بزرگ، دست کم احتمال تعرض به ایران را مطرح می کرد. با این حال، بنی صدر که در آن هنگام، حکم فرماندهی کل قوا را هم دریافت کرده بود، در بازدیدی از شهرهای مرزی مصاحبه کرد و گفت: "جنگ علیه ایران نخواهد شد" و حتی از برگزاری مانور و رزمایش هم خودداری کرد. در حالی که اگر چنین کارهایی انجام می شد، قاعدتا در بروز جنگ تحمیلی کارساز بود... حتی پس از حمله ارتش بعثی صدام هم او تا بیست روز نشست شورای عالی

۳- مصاحبه با سید احمد خمینی، اطلاعات، ۶۱/۲/۸.

۴- حمید احمدی، پیشین، صص ۲۶۵ - ۲۶۶.

مرحوم حجت الاسلام سید احمد خمینی، فرزند گرامی امام راحل (ره) نیز درباره عملکرد خائنه بنی صدر می‌فرماید: «او باید در برابر خدا به این سوال‌ها جواب دهد که شما که شش ماه قبل از جنگ می‌دانستید عراق به ایران حمله می‌کند چه کردید؟ آیا سپاه را در کنار ارتش آرایش دادید؟ آیا ارتش را با سلاح‌های مختلفی که داشت مجهز نمودید؟ آیا در سراسر مرز ایران و عراق اقدام به سنگربندی نمودید؟ آیا وسایل نظامی از قبیل تانک و توپ را از سراسر ایران به آنجا گسیل داشتید؟...»^۶

۲- عدم به رسمیت شناختن سپاه و بسیج: از دیگر موارد مورد مناقشه در مدیریت نظامی بنی صدر عدم اعتماد و کمک وی به نیروهای سپاهی و مردمی و بسیجی در آغاز جنگ بود به نحوی که مهمترین نیروهای دفاعی ما در آن روز حتی از داشتن فشنگ و اسلحه ساده مانند کلاشینکف محروم بودند.

سردار محمد کوثری از فرماندهان لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص) در دوران دفاع مقدس در این باره می‌گوید: «در آن زمان بنی صدر به عنوان فرمانده کل سپاه در روزهای آغازین جنگ به ارتش ابلاغ کرده بود که حتی یک فشنگ به سپاه و بسیج تحویل ندهند و همواره برای این کار خود استدلال می‌کرد که یک عده بچه آمده اند تا بجنگند.»^۷

"سرلشکر غلامعلی رشید" از فرمانده ارشد دوران دفاع مقدس در این باره خاطر نشان می‌کند: «در حالی که مقابل ما دشمنی آرایش گرفته بود که فقط یک ارتش نبود بلکه قدرت‌های منطقه ای و جهانی پشت سر صدام بودند و همواره ارتش ما نیازمند ارتباط با سپاه، بسیج و مردم بود اما بنی صدر به عنوان فرمانده کل قوا مانع این ارتباط می‌شد»^۸

۳- ارائه و تاکید بر اجرای طرح‌های کاملاً اشتباه از لحاظ نظامی: یکی از مهمترین مشکلات بنی صدر نداشتن سواد و تخصص لازم در امور نظامی بود که بسیاری از ایده‌ها و طرح‌های وی در این زمینه مملو از اشتباهات مختلف بود. در کنار این بیسوادی نوعی خودبزرگی بینی افراطی و کیش شخصیت وی و مخالفت کینه دوزانه با نیروهای انقلابی و تفکر بسیجی مانع از مشورت و بهره‌گیری از کارشناسان این امور می‌شد.

وی در جنگ مدعی بود که مبتنی بر مدل اشکانیان خواهد جنگید و در این راه استراتژی سوخته "زمین بده - زمان بگیر" را مطرح می‌کرد که مبتنی بر اتفاق نظر کارشناسان نظامی استراتژی شکست خورده‌ای بود که در عمل هم خود را نشان داد و بخش‌های عمده‌ای از کشور بالاخص در استان خوزستان بدست رژیم بعثی افتاد بدون اینکه بنی صدر عملیات موفقیت آمیزی برای خارج کردن دشمن طراحی نماید.

در مساله محاصره خرمشهر نیز همین نگاه ناشیانه موجب گردید علی‌رغم فریادهای مبارزین و دلسوزان نظامی کشور بنی صدر حاضر نشود برای دفاع از خرمشهر اقدامی نماید و این شهر بندری بعد از مقاومت ۴۵ روزه مردمی توسط چند لشکر نظامی عراق اشغالگر گردد.

آیت الله خامنه‌ای در گفتگویی ماجرای نامه نگاری و هشدار خود به بنی صدر را در باره سقوط خرمشهر چنین شرح می‌دهد: «من نامه‌ای نوشتم به آقای بنی صدر و در آن اتمام حجت کردم و گفتم که من از کی به شما می‌گفتم و امروز خرمشهر خونین شهر شده

۵ - غلامعلی رشید، سایت آفتاب، ۸۷/۱/۲۶

۶ - مصاحبه با سید احمد خمینی، اطلاعات، ۶۱/۲/۸.

۷ - مصاحبه با محمد کوثری، سایت خبری حیات، ۸۷/۳/۵

۸ - مصاحبه با سرلشکر غلامعلی رشید، سایت خبری رجانیوز، ۸۷/۳/۱۱

است و هنوز سقوط نکرده که این نامه را نوشتم. این نامه در مرکز اسناد سری مجلس شورای اسلامی و هم چنین در بایگانی شورای عالی دفاع موجود است. همان وقت سپردم به همه اینجاها که این نامه جزء اسناد تاریخی بماند. گفتم من اتمام حجت می کنم و شهر سقوط خواهد کرد و نوشتم این واحدهایی که من می گویم باید بفرستید ولی اعتنایی نشد و خرمشهر با وجود مقاومت دلیرانه ای که عناصر رزمنده داخل مسجد جامع می کردند تاب مقاومت نیاورد و عراقی ها از چند سو وارد شهر شدند»^۹

هاشمی رفسنجانی در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه "آیا شما برای جلوگیری از سقوط خرمشهر پیشنهادی ارائه داده اید و به آن توجهی نشد؟" چنین گفتند: «همه گفتند. چقدر این نماینده های خوزستان در مجلس داد زدند و از ته دل گریه کردند. پاسداران آنجا داد می کشیدند و خواستشان این بود که یک واحد ارتشی برای حمایت از نیروهای درگیر به آنجا برود. بنی صدر می گفت نمی توانیم بفرستیم و نداریم. سعی او بر این قرار گرفته بود که خرمشهر و آبادان را بدهیم و نیروهایمان را در شمال حفظ کنیم و بعد که بر خود مسلط شدیم، شهرها را پس بگیریم»^{۱۰}

۴- برخورد با عناصر انقلابی ارتش: در این مورد می توان به ماجرای شهید بزرگوار شهید صیاد شیرازی اشاره کرد که بنی صدر در اقدامی کینه دوزانه درجه سرهنگی را از وی گرفته و وی را با چند درجه نزول در جایگاه ستوانی قرار داده بود.

همین اقدامات بود که منجر به آن شد که حضرت امام(ره) وی را در ۲۰ خرداد ۱۳۶۰ از سمت فرماندهی کل قوا عزل کرده و در گام بعدی عدم کفایت وی توسط مجلس شورای اسلامی در ۳۱ خرداد ۶۰ اعلام و با حکم حضرت امام(ره) برکنار شود.

با کنار گذاشتن جریان لیبرال از صحنه مدیریت کشور و جایگزینی نگرش بسیجی در راس مدیریت جنگ بود که اوضاع جبهه ها در نیمه سال ۶۰ دگرگون شده و با سلسله عملیاتهای طریق القدس، ثامن الائمه، فتح المبین و الی بیت المقدس، در کمتر از ۹ ماه اغلب مناطق اشغالی، آزاد شدند.

در بحث تداوم دفاع مقدس نیز بار دیگر ایده جریانهای لیبرال و وادادگان در برابر دشمن، رودروی نگرش بسیجی قرار گرفت. نگرش بسیجی که در راس آن حضرت امام(ره) قرار داشت، معتقد بود که تا تضمین های قابل قبولی برای پایان جنگ (از جمله تنبیه متجاوز، معرفی عراق به عنوان متجاوز، بازگشت به مرزهای بین المللی، تبادل اسرا، پرداخت غرامت) وجود نداشته باشد، همچنان باید به مقاومت و دفاع در برابر متجاوز ادامه داد، اما در مقابل تفکرات منفعل و مرعوب با استناد به قطعنامه هایی که از حداقل شرایط مناسب به نفع ایران اسلامی برخوردار نبود، خواستار توقف جنگ و پذیرش آتش بس بوده و مسئولین را از عواقب ایستادگی در برابر غرب و استکبار جهانی می ترساندند! در راس این جریان گروهک غیرقانونی نهضت آزادی قرار داشت که با حمله به نگرش بسیجی، آن را جنگ طلب معرفی می کرد!

همین نظرات از زبان جریانهای انحرافی دیگری چون جریان بیت منتظری نیز شنیده می شد، از جمله آنکه شیخ ساده لوح در سخنرانی عمومی خود در ۶۷/۱۱/۲۲ گفت:

«بعد از ده سال باید عملکرد خود را حساب کنیم ... باید حساب کنیم در ظرف این ده سال که جنگ را به ما تحمیل کردند آیا جنگ را خوب طی کردیم یا نه، دشمنان ما که این جنگ را تحمیل کردند آنها پیروز از کار درآمدند. چقدر نیرو از ایران و از دست ما رفت و چقدر جوانهایی از دست دادیم که هر کدام یک دنیا ارزش داشتند و چه شهرهایی از ما خراب شد. باید اینها بررسی شود و ببینیم اگر اشتباهی کرده ایم اینها توبه دارد و اقلا متنبه شویم که بعدا تکرار نکنیم. چقدر در این مدت شعارهایی دادیم که غلط بود و خیلی از

۹ - مصاحبه با آیت الله خامنه ای، کیهان، ۶۰/۷/۷.

۱۰ - مصاحبه با حجت الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی، دفتر نشر معارف انقلاب، ۶۰/۷/۱۶.

آنها ما را در دنیا منزوی کرد و مردم دنیا را به ما بدبین کرد و هیچ لزومی هم برای این شعارها نداشتیم. اینها راه عاقلانه تری داشته و ما سرمان را پایین انداختیم و گفتیم همین است که ما می گوئیم بعد هم فهمیدیم که اشتباه کرده ایم. باید بفهمیم که اشتباه کرده ایم و بعد بگوئیم خدایا و ای ملت ایران ما اینجا اشتباه کرده ایم. ما در جنگ خیلی اشتباه کردیم و خیلی جاها لجبازی کردیم و شعارهایی دادیم که می دانستیم نمی توانیم آن را انجام دهیم...»^{۱۱}

امام خمینی (ره) که تا آن زمان در برابر انتقادهای خصوصی منتظری صبر و حوصله به خرج داده بود و موضع گیری او را در جریان پرونده مهدی هاشمی و دفاع او از منافقان و امثال آنها را ناشی از سادگی او می دانست، پس از این سخنرانی که اساس نظام را از جایگاه قائم مقام رهبری زیر سوال می برد، موضع خود را در برابر منتظری با صراحت اعلام نمود و در پیام مشهور "منشور روحانیت" به مورخه ۶۷/۱۲/۳ پاسخ تندی به اظهارات منتظری دادند.

حضرت امام (ره) در این پیام، بدون نام بردن از منتظری، تحلیل وی از جنگ را غلط ارزیابی کرد و به خاطر این تحلیل، رسماً از خانواده های شهدا و جانبازان عذرخواهی نمود و در پاسخ به دعوت منتظری به توبه از اشتباهات و لجبازی ها، اعلام کرد که:

«در یک تحلیل منصفانه از حوادث انقلاب خصوصاً از حوادث ده سال پس از پیروزی باید عرض کنم که انقلاب اسلامی ایران در اکثر اهداف و زمینه ها موفق بوده است و به یاری خداوند بزرگ در هیچ زمینه ای مغلوب و شکست خورده نیستیم، حتی در جنگ پیروزی از آن ملت ما گردید و دشمنان در تحمیل آن همه خسارات چیزی به دست نیاوردند. البته اگر همه علل و اسباب را در اختیار داشتیم در جنگ به اهداف بلندتر و بالاتری می نگرستیم و می رسیدیم ولی این بدان معنا نیست که در هدف اساسی خود که همان دفع تجاوز و اثبات صلابت اسلام بود مغلوب خصم شده ایم.

هر روز ما در جنگ برکتی داشته ایم که در همه صحنه ها از آن بهره جسته ایم. ما انقلابمان را در جنگ به جهان صادر نموده ایم، ما مظلومیت خویش و ستم متجاوزان را در جنگ ثابت نموده ایم، ما در جنگ، پرده از چهره تزویر جهان خواران کنار زدیم، ما در جنگ، دوستان و دشمنانمان را شناخته ایم، ما در جنگ به این نتیجه رسیده ایم که باید روی پای خودمان بایستیم، ما در جنگ ابهت دو ابرقدرت شرق و غرب را شکستیم، ما در جنگ ریشه های انقلاب پر بار اسلامیمان را محکم کردیم، ما در جنگ حس برادری و وطن دوستی را در نهاد یکایک مردمان بارور کردیم، ما در جنگ به مردم جهان و خصوصاً مردم منطقه نشان دادیم که علیه تمامی قدرت ها و ابرقدرت ها سالیان سال می توان مبارزه کرد، جنگ ما کمک به افغانستان را به دنبال داشت، جنگ ما فتح فلسطین را به دنبال خواهد داشت، جنگ ما موجب شد که تمامی سردمداران نظام های فاسد در مقابل اسلام احساس ذلت کنند، جنگ ما بیداری پاکستان و هندوستان را به دنبال داشت، تنها در جنگ بود که صنایع نظامی ما از رشد آنچنانی برخوردار شد و از همه اینها مهم تر استمرار روح اسلام انقلابی در پرتو جنگ تحقق یافت.

همه اینها از برکت خون های پاک شهدای عزیز هشت سال نبرد بود، همه اینها از تلاش مادران و پدران و مردم عزیز ایران در ده سال مبارزه با آمریکا و غرب و شوروی و شرق نشأت گرفت.

جنگ ما جنگ حق و باطل بود و تمام شدنی نیست، جنگ ما جنگ فقر و غنا بود، جنگ ما جنگ ایمان و رذالت بود و این جنگ از آدم تا ختم زندگی وجود دارد.

چه کوتاه نظرند آنهایی که خیال می کنند چون ما در جبهه به آرمان نهایی نرسیده ایم، پس شهادت و رشادت و ایثار و از خود گذشتگی و صلابت بی فایده است! در حالی که صدای اسلام خواهی آفریقا از جنگ هشت ساله ماست، علاقه به اسلام شناسی مردم

در آمریکا و اروپا و آسیا و آفریقا یعنی در کل جهان از جنگ هشت ساله ماست.

من در اینجا از مادران و پدران و خواهران و برادران و همسران و فرزندان شهدا و جانبازان به خاطر تحلیل‌های غلط این روزها رسماً معذرت می‌خواهم و از خداوند می‌خواهم مرا در کنار شهدای جنگ تحمیلی بپذیرد.

ما در جنگ برای یک لحظه هم نادم و پشیمان از عملکرد خود نیستیم. راستی مگر فراموش کرده‌ایم که ما برای ادای تکلیف جنگیده‌ایم و نتیجه فرع آن بوده است. ملت ما تا آن روز که احساس کرد که توان و تکلیف جنگ دارد به وظیفه خود عمل نمود. و خوشا به حال آنان که تا لحظه آخر هم تردید ننمودند، آن ساعتی هم که مصلحت بقای انقلاب را در قبول قطعنامه دید و گردن نهاد، باز به وظیفه خود عمل کرده است، آیا از اینکه به وظیفه خود عمل کرده است نگران باشد؟ نباید برای رضایت چند لیبرال خود فروخته در اظهار نظرها و ابراز عقیده‌ها به گونه‌ای غلط عمل کنیم که حزب الله عزیز احساس کند جمهوری اسلامی دارد از مواضع اصولیش عدول می‌کند.

تحلیل این مطلب که جمهوری اسلامی ایران چیزی به دست نیاورده و یا ناموفق بوده است، آیا جز به سستی نظام و سلب اعتماد مردم منجر نمی‌شود؟! تأخیر در رسیدن به همه اهداف دلیل نمی‌شود که ما از اصول خود عدول کنیم. همه ما مأمور به ادای تکلیف و وظیفه‌ایم نه مأمور به نتیجه.» (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۹۳، ۶۷/۱۲/۳)

نگرش بسیجی در سالهای دفاع مقدس، آنچنان خود را تعمیق بخشید و ظرفیتهای بالای خود را به نمایش گذاشت که بنیانگذار نظام مقدس جمهوری اسلامی در شان آنان چنین فرمودند: «در حوادث گوناگون پس از پیروزی انقلاب خصوصاً جنگ، بودند نهادها و گروههای فراوانی که با ایثار و خلوص و فداکاری و شهادت طلبی، کشور و انقلاب اسلامی را بیمه کردند. ولی حقیقتاً اگر بخواهیم مصداق کاملی از ایثار و خلوص و فداکاری و عشق به ذات مقدس حق و اسلام را ارائه دهیم، چه کسی سزاوارتر از بسیج و بسیجیان خواهند بود!» (۶۷/۹/۲)